

تاریخ شفاهی مردم‌نگارانه؛ ظرفیتی ویژه برای تنوع قالب‌های تدوین در حوزه تاریخ شفاهی

مرتضی قاضی

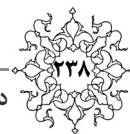
چکیده:

حیات طرح تدوین یک کتاب تاریخ شفاهی هم‌زمان با شکل‌گیری ایده، شناسایی سوژه و آغاز تحقیق یک پژوهانه تاریخ شفاهی آغاز می‌شود. به عبارت دیگر، نوع سوژه و نوع تحقیقی که در مورد آن سوژه انجام می‌گیرد، در نوع تدوین آن تحقیق تأثیر دارد. لذا سوژه‌هایی که یک مجموعه متولی تاریخ شفاهی به سراغ آن‌ها می‌رود و در موردشان تحقیق می‌کند، گونه‌هایی از تدوین را موجب می‌شوند. پژوهانه‌های واحد تاریخ شفاهی دفتر مطالعات جبهه فرهنگی انقلاب اسلامی دارای ویژگی‌ها و مشخصه‌هایی هستند که از مأموریت و اهداف دفتر مطالعات نشأت می‌گیرند. اینکه خاستگاه پژوهانه‌های دفتر مطالعات از کجاست و به چه علت به سراغ این سوژه‌ها رفته است و چگونه در مورد آن‌ها تحقیق می‌کند، در نوع تدوین کتب این مرکز تأثیر دارند. دفتر مطالعات به‌طور مشخص به سراغ تحقیقاتی از نوع جمع‌نگاری، اثرنگاری و سندنگاری رفته است. نوع تدوین در این سه نوع پژوهانه و ویژگی‌های آن‌ها و انواع قالب‌های تدوین که در این نوع پژوهانه‌ها در دفتر مطالعات به‌کار گرفته شده است، موضوعاتی هستند که در این مقاله به تفصیل به آن‌ها پرداخته شده است. هم‌چنین نویسنده به دنبال تبیین این مسئله است که جنس سوژه‌ها و پژوهانه‌های دفتر مطالعات، در اجزاء فرایند تدوین اثر می‌گذارد. هدف و مأموریت دفتر مطالعات، محصولات دفتر را از محصولات متعارف و مرسوم در حوزه تاریخ شفاهی و خاطره‌نگاری فراتر برده و گسترش داده است.

کلیدواژه‌ها:

تاریخ شفاهی، مردم‌نگاری، تدوین، جبهه فرهنگی انقلاب اسلامی، طرح پژوهشی.

دوفصلنامه تاریخ شفاهی، سال چهارم، شماره اول، شماره پیاپی ۷، بهار و تابستان ۱۳۹۷، ص ۲۳۸-۲۴۲





تاریخ شفاهی مردم‌نگارانه؛ ظرفیتی ویژه برای تنوع قالب‌های تدوین در حوزه تاریخ شفاهی

مرتضی قاضی^۱

مقدمه:

انقلاب‌ها همیشه کار مردم بوده است و اولین واژه‌ای که با مفهوم انقلاب به ذهن می‌آید، حضور گسترده مردم است. انقلاب اسلامی در ایران نیز حاصل قیام توده یا جمهور مردم بود. وجه ممیزه انقلاب اسلامی، نقش پررنگ و مؤثر مردم و فعالیت‌های متنوع و متکثر مردمی در فرایند شکل‌گیری و تثبیت انقلاب اسلامی است. تاریخ شفاهی ابزاری است که به کمک می‌آید تا حضور گسترده مردم در تمام ارکان اجرایی و پشتیبانی نهضت و نظام اسلامی را ثبت و الگوسازی کند.

در تاریخ‌نگاری انقلاب اسلامی ابعاد و موضوعاتی مغفول مانده‌اند. از روزهای ابتدایی بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، به موازات درگیری‌های داخلی و بعد از آن جنگ تحمیلی هشت‌ساله میان ایران و عراق، مردم ایران درگیر یک جنگ نرم بوده‌اند. در این جنگ عظیم فرهنگی هزاران هسته مقاومت تشکیل شدند. این هسته‌های مقاومت مردمی در مساجد، مدارس، هیئت‌ها، کانون‌ها و مراکز متعدد خودجوش فرهنگی به حفظ، تثبیت و اشاعه ارزش‌های انقلاب اسلامی در قالب فعالیت‌های فرهنگی، هنری و تبلیغی، مشغول بودند. البته این جنگ فرهنگی، در مبارزات پیش از پیروزی انقلاب مردم ایران ریشه دارد. انقلاب اسلامی اساساً یک انقلاب فرهنگی است و این مواجهه فرهنگی با مظاهر سلطه، ظلم، فساد و بی‌عدالتی در تار و پود انقلاب جریان دارد.

تاریخ‌نگاری انقلاب اسلامی بدون توجه به این جنگ و جبهه عظیم فرهنگی، یک تاریخ‌نگاری کامل نخواهد بود. دفتر مطالعات جبهه فرهنگی انقلاب اسلامی با توجه به خلأهای موجود در تاریخ‌نگاری انقلاب، مأموریت خود را در بین دیگر مراکز متولی تاریخ شفاهی انقلاب، با مراجعه به موضوعات و سوژه‌هایی تعریف کرده است که در تاریخ‌نگاری انقلاب اسلامی مورد غفلت واقع شده‌اند، مانند تاریخ شفاهی جبهه فرهنگی انقلاب اسلامی.

۱. کارشناس ارشد علوم اقتصادی، مدیر گروه
مطالعات اجتماعی مرکز اسناد و تحقیقات
دفاع مقدس؛ Mgh1980@gmail.com



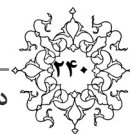
جای خالی روح جمعی انقلاب در تاریخ شفاهی انقلاب اسلامی

فعالیت‌های فرهنگی، هنری و تبلیغی که از ابتدای انقلاب در جبهه فرهنگی انقلاب اسلامی انجام گرفته، هم به شکل فردی و هم به شکل جمعی بوده‌اند، اما نکته مهم آن است که عموم فعالیت‌های انجام شده در راستای پیشبرد اهداف انقلاب اسلامی، ماهیت جمعی دارند و توسط گروه‌هایی از مردم انجام گرفته است. پس برای ثبت و ضبط تاریخ این فعالیت‌ها باید به سراغ جمع، جماعت و جمعیت مردم رفت. منظر نظر پژوهانه‌های تاریخ شفاهی دفتر مطالعات در ابتدا و اساساً رفتن به سراغ جمع‌های مردمی و در حقیقت جمع‌نگاری بوده است. لذا «جمع‌نگاری» در پژوهانه‌های دفتر، ضریب ویژه‌ای می‌گیرد.

برای آنکه بتوان فلسفه اهمیت جمع‌نگاری در سوژه‌های دفتر مطالعات را بهتر توضیح داد، بهتر است تصویر کلانی به شرح زیر، از سیر کشف سوژه‌های دفتر مطالعات ارائه کرد:

- انقلاب اسلامی همیشه بر دوش «مردم» بوده است.
 - مردم به شکل فردی یا با تشکیل جمع‌هایی برای فعالیت‌های خود، یک «جبهه فرهنگی» تشکیل داده‌اند. دفتر مطالعات با تاریخ شفاهی مردم‌نگارانه به دنبال ترسیم نقشه‌ای کلان از این جبهه فرهنگی است. این، مأموریت اصلی دفتر مطالعات است.
 - در این جبهه فرهنگی، «مراکز» وجود داشتند که به تولید «آثار» مشغول بودند.
 - دفتر مطالعات این مراکز را از روی «آثاری» که تولید می‌کرده‌اند، شناخته است.
 - این آثار توسط «عناصری» تولید شده‌اند، عناصری که اعم از گروه یا فرد هستند.
- بنابراین، آنچه که برای دفتر مطالعات برای تاریخ‌نگاری جبهه فرهنگی انقلاب اسلامی اهمیت دارد، در ابتدا جمهور مردم است و در درجه بعدی اهمیت، مراکز قرار دارند که مردم در قالب این مراکز فعالیت می‌کردند. پس برای دفتر مطالعات، مراکز فعال در جبهه فرهنگی نسبت به آثار و عناصر از اولویت و اهمیت برخوردار هستند. هم‌چنین آثار در جبهه فرهنگی نسبت به عناصری که این آثار را تولید کرده‌اند، دارای اولویت بالاتری است. علت آن است که جبهه فرهنگی انقلاب را می‌توان از آثاری که تولید کرده است، شناخت. از این جهت است که یک «اثر» در بین سوژه‌های دفتر مطالعات نسبت به عناصر تولیدکننده آن، اهمیت بیشتری پیدا می‌کند. البته باید ذکر کرد که دفتر مطالعات به دنبال آثاری در «فرهنگ عمومی» مردم است، نه «فرهنگ خصوصی»، به عبارت دیگر، وجهی از فرهنگ که شکل عمومی و مردمی پیدا کرده است. البته دفتر مطالعات به دنبال سوژه‌های فردی نیز می‌رود و اساساً یکی از مأموریت‌های دفتر، «قهرمان‌نگاری» است و به دنبال قهرمانانی است که از جنس «قهرمانان اجتماعی» هستند. افرادی که فعالیت‌های آنان، آثار اجتماعی و مردمی داشته است.

با توجه به مباحث مطرح شده، ذکر یک نکته خالی از لطف نیست. به نظر می‌رسد یک آسیب



جدی متوجه مراکز متولی تاریخ شفاهی انقلاب اسلامی و دفاع مقدس است و این آسیب همان غفلت از روایت‌های جمعی یا وجوه و ابعاد مردمی و جمعی عناصر و کنشگران حوزه انقلاب اسلامی و دفاع مقدس است. اساسی‌تر از کنش‌های فردی و جمعی کنشگران انقلاب، روح جمعی و جمع‌گرایی حاکم بر فضای انقلاب اسلامی است. چیزی که انقلاب اسلامی را به پیروزی رساند و نهضت اسلامی را پیش برد و جنگ را اداره کرد، روح جمعی ملت ایران بود.

در صورتی که در عموم مراکز متولی تاریخ شفاهی دفاع مقدس و انقلاب، فردیت فرد از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. به عبارت دیگر، تاریخ شفاهی به روایت یک فرد است. به عنوان مثال، به ندرت پیش می‌آید که فعالیت‌های زنان جهادی یک شهر در پشت جبهه که یک فعالیت جمعی است، برای این مراکز موضوعیت پیدا کند. هم‌چنین وقتی محققین تاریخ شفاهی دفاع مقدس به سراغ رزمندگان می‌روند، عموماً به سراغ فعالیت‌های فردی رزمنده می‌روند و سؤالات تحقیق و مصاحبه خود را براساس فردیت وی تنظیم می‌کنند. دوربین خاطره‌گیر تنها به دنبال راوی بوده است، اما فعالیت‌های پشت جبهه آن راوی را ندیده است و برایش مسئله نبوده است.

عموم رزمندگان دفاع مقدس به شدت جمع‌گرا بوده‌اند. به عنوان مثال، یک رزمنده وقتی که از جبهه به شهر بازمی‌گشت، مجموعه‌ای از فعالیت‌های جمعی را انجام می‌داد، با مفاسد درگیری می‌کرد، در مسجد محل فعالیت داشت، به خانواده و فامیل سرکشی می‌کرد، در هیئت‌ها شرکت می‌کرد و در مجموع فعالیت‌های پشت جبهه انجام می‌داد. این فعالیت‌های او جمعی بود. به عبارت دیگر، برش «رزمندگی» از زندگی او، آن هم به شکل فردی، مدنظر قرار گرفته و از وجوه فعالیت‌های جمعی او عبور کرده و به عبارت دیگر، رزمنده به شکل فردی فهم شده است. این اشکال را می‌توان در تذکرات رهبر انقلاب به برخی از کتاب‌های حوزه دفاع مقدس هم مشاهده کرد. ایشان در مورد کتاب «نورالدین پسر ایران» بیان کردند که در این کتاب، خانواده نورالدین مطرح نیست و تحقیق نیاز به تکمله دارد، چون نورالدین عافی، تنها جنگ خود را روایت کرده است.

شاید از همین جهت باشد که صاحب‌نظران حوزه مطالعات دفاع مقدس و انقلاب اسلامی بر عموم پژوهانه‌های انجام‌گرفته در حوزه دفاع مقدس و انقلاب؛ نام خاطره‌نگاری را می‌نهند و نه تاریخ شفاهی، زیرا صاحب‌نظران این حوزه میان خاطره و تاریخ شفاهی تفاوت قائل هستند. موضوع فعالیت مورخ شفاهی، فعالیت‌های بیرونی کنشگر در عرصه اجتماع است، اما موضوع فعالیت خاطره‌گیر یا خاطره‌نگار شفاهی، خود کنشگر و درونیات اوست. وقتی محقق رویکرد فردگرایانه دارد و نه جمع‌گرایانه، عموماً محصول کارش در خاطره‌گیری باقی می‌ماند.

دفتر مطالعات جبهه فرهنگی انقلاب اسلامی برای رفع این آسیب، دو مسئله را در پژوهانه‌های خود مدنظر قرار داده است:

۱. در ابتدا به سراغ جماعت‌ها و گروه‌های فعال در جبهه فرهنگی انقلاب رفته است؛



۲. اگر به سراغ افراد و عناصر و به اصطلاح رزمندگان جبهه فرهنگی رفته است، وجوه جمعی این افراد را مدنظر قرار داده است. حتی اگر به سراغ یک رزمنده حاضر در دفاع مقدس هم می‌رود، از زندگی او در اجتماع و جامعه و خانواده غفلت نمی‌کند.

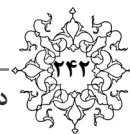
اهمیت اتمسفر جبهه فرهنگی انقلاب اسلامی برای این دفتر و مهم‌تر از آن، ثبت تجربه‌های این جریان برای استفاده در حال و آینده، اساساً سلول بنیادی شکل‌گیری پژوهانه‌های تاریخ شفاهی جبهه فرهنگی است. پس به تبع این ضرورت، رویکرد جمعی پژوهانه‌ها بنا به ضرورت و به تبع اهداف، برای مدیران و محققان این مجموعه اصالت دارد.

تفاوت نقش رزمنده جبهه جنگ با نقش رزمنده جبهه فرهنگی

دفتر مطالعات در مواجهه با سوژه‌های جبهه فرهنگی انقلاب به تفاوت‌هایی با سوژه‌های حوزه‌های دیگر رسیده است. موضوعات اصلی و اولی‌ای که دفتر مطالعات به سراغ آن‌ها رفته است، مساجد، گروه‌های سرود و تئاتر، مربیان پرورشی، معلمین نهضت سوادآموزی و جهادگران جهادسازندگی بوده است. اساساً در این سوژه‌ها، ویژگی جمعی بروز بسیاری دارد. برای روشن شدن این بحث بهتر است به مقایسه فعالیت‌های رزمندگان این جبهه با رزمندگان جبهه جنگ پرداخت.

رزمنده جنگ براساس نقشی که فرمانده به او سپرده است، تنها فعالیت خود را انجام می‌دهد. به عبارت دیگر، همین فرد پدیده‌ای به نام جنگ را تجربه کرده است و ثبت خاطراتش برای محققین مهم است. موضوعات و سوژه‌هایی که دفتر مطالعات به سراغ آن‌ها رفته است، از منظر آثار فرهنگی‌ای بوده که آن سوژه تولید کرده است. در واقع تاریخ‌نگاری فعالیت‌های رزمندگان جبهه فرهنگی، مانند تاریخ‌نگاری فعالیت‌های رزمندگان جبهه جنگ نیست که تنها حضور در این جبهه و جنگ مهم باشد. در جبهه فرهنگی رزمنده یا فعال این جبهه از آن جهت مهم است که اثری فرهنگی را تولید کرده است. به عنوان مثال، یک مربی پرورشی ذاتاً فعالیتش با یک رزمنده متفاوت است، چون باید گروهی از دانش‌آموزان را رهبری کند و فعالیت‌های فرهنگی را برای جمع آن‌ها و با کمک خودشان انجام دهد. لذا اهمیت فعالیت و نقش جامعه مربیان پرورشی است که باعث می‌شود دفتر مطالعات به سراغ آن‌ها برود.

با این توضیحات مشخص شد که دفتر مطالعات در پژوهانه‌های تاریخ شفاهی مربیان پرورشی، به دنبال موضوع فعالیت مربیان پرورشی است و به همین جهت، با سؤالات مشخص و از پیش تعیین‌شده جهت استخراج و ترسیم دقیق نقش مربیان پرورشی به سراغ آنان می‌رود و تلاش می‌کند در کنار خاطره‌گیری، تاریخ شفاهی این جبهه را به شکل اساسی مدنظر قرار دهد. این رویکرد در ثبت فعالیت‌های مربیان نهضت سوادآموزی، فعالان جهادسازندگی، فعالین در مساجد و کانون‌های فرهنگی نیز مدنظر دفتر مطالعات است. واضح است که رویکرد اتخاذشده در



پژوهانه‌های تاریخ شفاهی دفتر مطالعات، روی قالب‌های تدوین کتب دفتر مطالعات تأثیر می‌گذارد.

جمع‌نگاری

در میان فعالیت‌هایی که مأموریت اصلی واحد تاریخ شفاهی دفتر مطالعات را تشکیل می‌دهند، برخی از فعالیت‌ها هستند که اساساً شکل جمعی دارند و لذا «جمع‌نگاری» در این فعالیت‌ها نقش اساسی دارد. به عبارت دیگر، در این نوع فعالیت چند کنشگر در «یک زمان» و «یک مکان» مشغول انجام یک فعالیت و در حقیقت یک «کار گروهی» یا به اصطلاح «کنش جمعی» هستند. به‌عنوان مثال، در یک گروه سرود به غیر از مسئول گروه سرود و تک‌خوان آن، بقیه افراد گروه در حال انجام یک عمل واحد و آن هم خواندن سرود هستند. اعضای گروه سرود وقتی دارند سرود می‌خوانند و یک اثر فرهنگی را تولید می‌کنند، همه در یک زمان، یک مکان و در یک گروه کر قرار دارند و در کنار دیگر اعضای گروه، عمل واحدی را انجام می‌دهند، به‌عبارت دیگر، مشغول یک کنش جمعی هستند. به‌عنوان مثالی دیگر، در فعالیت‌های گروهی از زنان جهادی در یک شهر مانند ملارد، همه زن‌ها درگیر یک کار گروهی مانند پختن نان در یک مکان واحد و در یک زمان مشخص برای پشتیبانی جنگ هستند.

بنابراین در این موضوعات، تنها هویت فردی عناصر گروه مطرح نیست، بلکه محقق این نوع پژوهانه‌ها با نوعی از «هویت جمعی» مواجه است. در حقیقت، جمع هویت دارد. این نوع تحقیقات جزو تجربه‌های کمتر انجام‌شده در تاریخ‌نگاری انقلاب اسلامی است و مراکز مختلف فعال در حوزه تاریخ شفاهی، کمتر به‌سراغ آن‌ها رفته‌اند. پس می‌توان موضوع «جمع‌نگاری» را جزء مشخصه‌های پژوهانه‌های دفتر مطالعات جبهه فرهنگی است. ذات محتوایی که در این نوع پژوهانه‌های جمع‌نگارانه دفتر مطالعات تولید می‌شود، مدون کتب دفتر را نیز به‌سمت قالب‌های مشخص و گاه تجربه‌نشده سوق می‌دهد. به‌عبارت دیگر، در نوع فعالیت جمعی، نوع ویژه‌ای از تحقیق و به‌تبع، نوع خاصی از تدوین را باید مدنظر قرار داد.

خاطرات شفاهی گروه سرود امور تربیتی لرستان، قالبی خلاقانه در جمع‌نگاری

یکی از پژوهانه‌هایی که در واحد تاریخ شفاهی دفتر مطالعات جبهه فرهنگی انجام گرفت، ثبت خاطرات شفاهی گروه سرود امور تربیتی لرستان بود. گروه سرود امور تربیتی لرستان، در سال ۱۳۶۴ توسط امور تربیتی لرستان به سرپرستی مرحوم استاد عیسی سپه‌پونی تشکیل شد. آقای سامان سپه‌پوند، محقق دفتر مطالعات در سال ۱۳۸۹ ش. با اعضای این گروه آشنا شد و در طول چند ماه با افراد کلیدی این گروه، مصاحبه‌هایی انجام داد. از ویژگی‌های این گروه سرود می‌توان به اجرای سرود توسط نوجوانان، به‌همراه نواختن موسیقی با آلات موسیقی توسط خود آن‌ها، اجرای بیش از

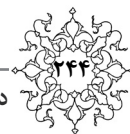


هزار سرود در طول دوران جنگ در سراسر کشور و به‌ویژه در جبهه جنگ برای رزمندگان اسلام، اجرای سرود در اعزام یک صد هزار نفری رزمندگان به جبهه در استادیوم آزادی مقابل آیت‌الله خامنه‌ای، رئیس‌جمهور وقت در سال ۱۳۶۵ش و کسب چندین مقام اول در مسابقات دانش‌آموزی کشوری سرود، اشاره کرد.

یکی از اتفاقاتی که در ثبت خاطرات این گروه سرود رخ داد، این بود که مسئول گروه سرود، مرحوم سپه‌پونی در قید حیات نبود. لذا محقق مجبور شد که برای استخراج خاطرات و تاریخ شفاهی این گروه سرود، به سراغ اعضای گروه سرود برود و وقایع را از زبان آن‌ها بشنود و سپس روایت کند. بنابراین، تقریباً می‌توان گفت که کنش جمعی اعضای گروه سرود مدنظر محقق بوده است و به‌خوبی استخراج شده است. شاید اگر محقق می‌توانست با مرحوم سپه‌پونی مصاحبه کند، آن‌گاه قالب تدوین خاطرات اعضای گروه سرود شکل دیگری پیدا می‌کرد و به‌دلیل اینکه مرحوم سپه‌پونی به همه فعالیت‌های گروه اشراف داشت، محوریت اصلی کتاب را تشکیل می‌داد، اما نبودن ایشان محقق را مجبور کرد که به‌شکل قالب‌های تجربه نشده‌ای برای تدوین خاطرات برود.

ابتدا لازم است مسائلی را که محقق در هنگام تدوین کتاب با آن‌ها مواجه بوده است، توضیح داد تا بتوان قالب انتخابی محقق و مدون را بازشناخت. در این قسمت برای ترسیم بهتر روند کار، مناسب است به بخش‌هایی از مقدمه کتاب «جنگ جنگ تا پیروزی» به‌قلم نویسنده کتاب که به‌عنوان دلیل انتخاب نوع قالب تدوین خود آورده است، اشاره شود:

- خاطرات را دسته‌بندی کردم و آن‌ها را براساس سیر زمانی چینش کردم، اما این فقط پیش‌نویس بود. من تنها توانسته بودم خاطرات هرکسی را از زاویه دید خودش، روی ریل زمانی قرار بدهم. مخاطب با یک‌سری روایت‌های شخصی از گروه مواجه بود. بعضی‌ها که خاطرات بیشتری روایت کرده بودند، بخش زیادی از این پیش‌نویس‌ها از زاویه دید آن‌ها بیان شده بود.
- این موضوع این شبهه را به‌وجود می‌آورد که ما حاصل پژوهانه، تنها روایت چند نفره از گروهی است که در اوج فعالیت خود، چهل نفر عضو داشته است. در ضمن پس از تطبیق خاطرات و جمع‌بندی اطلاعاتی که از راه‌های دیگر به‌دست آورده بودم، درباره بعضی از موضوعات و وقایع به جمع‌بندی‌هایی رسیدم که در خاطرات هیچ‌کدام از اعضای گروه نبود، به همین دلیل احساس کردم شاید بتوانم برای تدوین کتاب در لابه‌لای خاطرات اعضای گروه و دیگران، از زاویه «دانای کل»، خاطرات را با هم مرتبط و خلأها را پر کنم. برای نوشتن چند فصل، با همین شیوه پیش رفتم، ولی برای خودم راضی‌کننده نبود و از خیرش گذشتم. این‌طور باز هم ناچار بودم که نام‌روای خاطرات را زیر خاطره بیاورم که باز همان مشکلی که قبلاً گفتم وجود داشت. اگر می‌خواستیم خودم در مقام روایت قرار بگیریم و کل خاطرات و نکات را از زاویه‌ای بالاتر و جایگاهی که به همه چیز و همه‌کس اشراف دارد روایت کنم، خودم را راحت می‌کردم، ولی به‌نظرم باورپذیری



کتاب، کم و اثر با پنهان ماندن بعضی از وقایع که بر جذابیت آن می‌افزود، خدشه دار می‌شد. منطقی نبود با به‌کارگیری آن زاویه دید، چیزی از مخاطب پنهان بماند.

- بعد از مدت‌ها مطالعه و مشورت به این نتیجه رسیدم که باید برای تدوین کتاب، یک راوی انتخاب کنم. یک راوی که در پشت زاویه‌دید او و از زبانش، خاطرات و اطلاعات گروه بیان شود. مشکل این بود که هیچ‌کدام از اعضای گروه نمی‌توانست این نقش را بازی کند. اگر راوی، یکی از خود بچه‌ها بود، اطلاعات و حواس، محدود به همان نفر می‌شد، دامنه اطلاعات خیلی محدود می‌شد و این، نیاز مرا برآورده نمی‌کرد. در این صورت نمی‌دانستم با نقش و زندگی استاد سپه‌نوی، باقی اعضای گروه و اتفاقات بی‌شماری که به‌طور طبیعی، آن راوی از آن‌ها مطلع نبود، چه کنم. این راوی نمی‌توانست همیشه و همه‌جا حضور داشته باشد، هیچ‌کدام از بچه‌های گروه به‌صورت مداوم و همه‌روزه در گروه حضور نداشتند و بعضی‌ها حضور کوتاهی داشتند و گاهی مشکلات شخصی و خانوادگی، مدتی آن‌ها را از گروه دور می‌کرد.
- از طرفی همان اول کار نمی‌خواستم کتاب منحصر به هیچ‌کدام از اعضای گروه باشد. هدفم روایت فعالیت یک گروه بود. اگر زودتر به سراغ این سوژه می‌رفتم، یعنی روزهایی که استاد سپه‌نوی در قیدحیات بود، قضیه فرق می‌کرد. گروه او را از زبان خودش روایت می‌کردم و این‌همه در دسر نمی‌کشیدم.
- راوی مدنظر من باید از بین اعضای گروه انتخاب می‌شد، ولی هیچ‌کدام از آنان نبود. عضوی که اطلاعاتش در حد گفته‌ها و شنیده‌های بچه‌های گروه است و از همه چیز طوری که روایتش باورپذیر هم باشد، اطلاع دارد. او همیشه در گروه و تمرین‌ها و کنار استاد حضور دارد، ولی چون نوجوان و عضو گروه است، در حدود سن و سال و جایگاهی که دارد، از مسائل باخبر است. او از استاد و بچه‌های گروه در حدی که از زبان خودشان شنیده است، اطلاع دارد و مثل بچه‌ها هر روز سر تمرین می‌رود، از استاد حساب می‌برد، با گرفتن جایزه خوشحال می‌شود و از مریض شدن استاد غمگین می‌شود.
- البته این انتخاب مشکلاتی هم پیش پایم می‌گذاشت. این راوی نمی‌توانست بگوید به تمرین رفتم یا به خانه رفتم. او همیشه خودش را در جمع دوستانش می‌بیند و از زبان جمع روایت می‌کند. او می‌گوید به اجرا رفتیم، با هم خندیدیم، استاد از دست ما عصبانی شد و گاهی هم اتفاقات و خاطرات دیگران را از زاویه سوم شخص روایت می‌کند. می‌گوید برای فلانی این اتفاق افتاد و او از گروه اخراج شد و این راوی نمی‌توانست از حالات درونی دیگران باخبر باشد. او تنها از بیرون، مسائل را می‌دید و بیشتر مواقع از ظاهر قضیه قضاوت می‌کرد. شاید این باعث می‌شد که بخش زیادی از مطالب مصاحبه‌ها بی‌استفاده بماند. مثلاً وقتی یکی از تک‌خوان‌ها وسط اجرا تهق می‌زند و نگرانی و دلهره تمام وجودش را می‌گیرد، این راوی



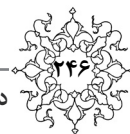
نمی‌تواند از آن‌ها حرفی بزند و تنها براساس تغییرات ظاهر تک‌خوان می‌تواند حدس بزند که او نگران شده است. در مجموع محاسن انتخاب این راوی بیشتر از معایب آن بود.

- تصمیم خودم را گرفتم و آن را عملی کردم. راوی کتاب را راوی اول شخص نامعلوم انتخاب کردم که خاطرات را به شکل جمعی بیان می‌کند. هر جا که خاطرات شخصی اعضای گروه وجود داشت، راوی به سوم شخص تغییر کرده است تا گوشه‌ای از خاطرات فردی اعضای گروه هم پوشش داده شود. یکی از مُحَسِّنات این روش آن است که خاطره‌نگار قالب مناسبی برای بیان یک کنش جمعی پیدا کرده است. انتخاب راوی اول که شخص جمع نامعلوم است، حس کنش جمعی را تقویت می‌کند، البته همان‌طور که خاطره‌نگار اشاره کرده است، این قالب ایراداتی نیز دارد. یکی از ایرادات آن، حذف احساسات شخصی راویان است. همه صحبت‌های راویان از زبان یک راوی نامعلوم روایت شده است، نویسنده تقریباً این امکان را نداشته که احساسات شخصی و فردی راویان را در کار بیاورد. هر چند که به نظر می‌رسد اگر راوی تلاش می‌کرد، می‌توانست چنین کاری را به خوبی انجام دهد و احساسات راوی را نیز در کار اضافه کند.

قالب‌های دیگر در پژوهانه‌های جمع‌نگارانه

برای پژوهانه‌های جمع‌نگارانه، قالب‌های دیگری نیز وجود دارند که مرسوم و متعارف هستند و دفتر مطالعات در پژوهانه‌های دیگر خود در حال استفاده از این قالب‌های تدوین است. در ادامه به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

- کتاب مریبان پرورشی تبریز، نمونه‌ای از ترسیم نقش مریبان پرورشی: کتابی توسط واحد تاریخ‌شفاهی دفتر مطالعات در تبریز در دست تهیه است که شامل خاطرات مشخص مریبان پرورشی تبریز در موضوعات مختلف مانند سرود، تئاتر، روزنامه دیواری، پشتیبانی جنگ، اعزام به جبهه، مراسم‌های مذهبی و نظایر آن است. در حقیقت این اثر را می‌توان کتابی در جهت ترسیم نقش مریبان پرورشی دانست که به شکل ویژه به نقش و فعالیت‌های تربیتی و پرورشی این گروه از رزمندگان جبهه فرهنگی پرداخته است و خاطرات شخصی و فردی این افراد محوریت نداشته است.
- هر فصل یا هر موضوع به روایت یک یا چند راوی: گاهی اوقات برای تدوین کردن یک کتاب که چند راوی دارد، می‌توان براساس نقش راوی یا راویان در کار تیمی و گروهی و جمعی، کتاب را فصل‌بندی کرد و هر فصل را به روایت یک راوی مشخص یا چند راوی کلیدی در آن موضوع بیان کرد. کتاب «خاطرات گروه سرود آباد» با چنین قالبی در دفتر مطالعات در دست تهیه است.
- روایت سوم شخص با مصداق‌هایی از روایت‌های اول شخص: برای تدوین کارهای جمع‌نگاری،



می‌توان از یک قالب مرسوم استفاده کرد. در این شکل تدوین، مدون بخش‌هایی از فعالیت‌های گروهی را که شکل جمعی دارند، از زبان یک دانای کل یا سوم شخص محدود روایت می‌کند و البته این فعالیت‌ها را با روایت‌های اول شخص اعضای گروه به‌عنوان مصداق‌ها و مثال‌ها همراه می‌کند. کتاب‌های «تاریخ شفاهی مسجد کرامت مشهد» و «تاریخ شفاهی مسجد جوادالائمه مشهد» با چنین قالبی در حال تهیه هستند.

اثرنگاری‌ها

همان‌گونه که بیان شد، یکی از محورهای اصلی در پژوهانه‌های دفتر مطالعات جبهه فرهنگی، آثاری هستند که در جبهه فرهنگی تولید شده‌اند. بنابراین گاهی اوقات منظر انجام یک پژوهانه در دفتر، اثرنگاری است. البته منظور از اثر، اثری است که از فرهنگ عمومی مردم برخاسته و روی آن تأثیر گذاشته است. فیلم‌ها، نقاشی‌ها، نمایشنامه‌ها، داستان‌ها، مقالات، پوسترها، نقاشی‌های دیواری، دیوارنوشته‌ها، سرودها، تئاترها و نظایر آن، از جمله آثاری هستند که موضوع پژوهانه‌های دفتر مطالعات قرار می‌گیرند. پس می‌توان گونه‌هایی از تدوین مانند فیلم‌نگاری، نمایشنامه‌نگاری، نقاشی‌نگاری و نظایر آن را متصور بود.

انقلاب هشت میلی‌متری، تجربه‌ای در فیلم‌نگاری

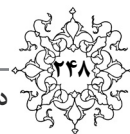
اولین پژوهانه دفتر مطالعات از این دست، پژوهانه «انقلاب هشت میلی‌متری»، ماجرای شکل‌گیری و تولید فیلم «انقلاب سبزوار» ساخته آقای میرقطبی، از فیلم‌سازان سبزوار است. محقق این پژوهانه، آقای محمد اصغرزاده، در لابه‌لای تحقیقاتش در مورد سوژه‌های تاریخ شفاهی در شهر سبزوار، به فیلم مستندی با نام «انقلاب سبزوار» برخورد کرده بود. همین مسئله او را به آقای میرقطبی، سازنده این اثر رساند. وی به‌منظور پرسش در مورد تولید این فیلم، به سراغ آقای میرقطبی رفت. تحقیقات محقق شامل بخش‌های ذیل بود:

۱. در ابتدا مختصری از زندگی‌نامه سازنده فیلم را استخراج کرد تا مشخص شود که میرقطبی پیش از ساخت فیلم، چه عقبه‌ای داشته است. جدا از تهیه یک زندگی‌نامه معمولی و متعارف و مرسوم برای میرقطبی، سؤالات زیر که وجوه حرفه‌ای میرقطبی را معرفی می‌کرد، مدنظر محقق بود:

- از دوران کودکی و نوجوانی چه علائق و تجربیاتی در زمینه فیلم‌سازی داشتید؟
- آیا تحصیلاتی مرتبط با فیلم‌سازی داشتید؟
- از کدام استادان در زمینه فیلم‌سازی آموختید؟
- پیش از فیلم انقلاب سبزوار، چه محصولات دیگری را تولید کرده بودید؟



- تجهیزات تولید فیلم مانند دوربین، فیلم، باتری و نظایر آن را چگونه تهیه کردید؟ در این مسیر با چه مشکلاتی روبه‌رو بودید؟
- ...
- ۲. سپس محقق صحنه به صحنه فیلم را با توضیحات سازنده فیلم گویا کرد. در هر صحنه فیلم، محقق این سؤالات را مدنظر قرار داد:
 - عناصر این صحنه را توضیح دهید، چه چیزهایی در صحنه دیده می‌شوند؟
 - این صحنه در چه زمانی فیلم برداری شد؟
 - مکان فیلم برداری این صحنه کجا بود؟
 - چرا از این صحنه فیلم برداری کردید؟
 - چگونه از این صحنه فیلم برداری کردید؟
 - برای فیلم برداری از این صحنه چه اتفاقاتی برای شما رقم خورد؟
 - داستان‌ها و حواشی فیلم برداری از این صحنه، یا به عبارت دیگر، پشت صحنه این بخش از فیلم، به چه صورتی بود؟
 - ...
- ۳. بعد از اینکه تحقیق در مورد تمام صحنه‌های فیلم انجام شد، آن‌گاه محقق به تحقیق در مورد مراحل فنی تولید فیلم نیز پرداخت.
 - فیلم چگونه تدوین شد و صحنه‌ها چگونه ترکیب شدند و هر صحنه، در کجای فیلم قرار گرفت؟
 - فیلم چگونه صدا برداری و سپس صدا گذاری شد؟
 - نریشن فیلم (گفتار صدای روی فیلم) را چه کسی نوشت و چه کسی خواند؟
 - از چه ابزاری برای تدوین و صدا گذاری فیلم استفاده شد؟
 - فیلم در چه مکانی تدوین شد؟
 - ...
- ۴. حیات یک اثر تازه پس از اینکه ساخته می‌شود، آغاز می‌شود. برای فیلم انقلاب سبزوار هم همین اتفاق رخ داد. میرقطبی به همراه دوستان خود، فیلم را برای گروه‌ها و افراد مختلف در مراکز مختلف شهر نمایش می‌داد. این بخش از حیات فیلم نیز مدنظر محقق بود:
 - فیلم را برای چه گروه‌هایی و در چه مکان‌هایی نمایش دادید؟
 - بازتاب نمایش فیلم چه بود؟
 - چه اتفاقاتی در حین نمایش‌های این فیلم رخ داد؟
 - آیا بعد از تولید فیلم، در سال‌های بعد، اتفاقات دیگری برای آن رخ داد؟ مثلاً نسخه دیگری از



فیلم تهیه شود یا اینکه بخش‌هایی از فیلم از بین برود؟

بعد از انجام تحقیق، مواد خام لازم برای تدوین کتاب آماده بود. نوع تحقیقی که آقای اصغرزاده انجام داده بود، او را به سمت نوعی از تدوین هدایت کرد. در شکل تدوین، محوریت با اثر بود. از آنجایی که اساس توضیحات جناب میرقطبی، توضیحات صحنه‌های فیلم بود، ابتدا از هر صحنه از فیلم، عکس تهیه شد. نویسنده در کتاب پس از هر صحنه از فیلم، توضیحات مربوط به آن صحنه را ارائه کرد. این بخش، ستون‌های اصلی ساختمان و معماری کتاب را تشکیل داد. در بخش انتهایی کتاب، نویسنده نحوه تولید فیلم و نهائی کردن آن، به همراه مطالبی در مورد حیات فیلم پس از تولید را توضیح داد. هم‌چنین در ابتدای کتاب هم زندگی‌نامه سازنده فیلم تا پیش از تولید فیلم انقلاب سبزوار به شکل مختصر قرار گرفت تا مخاطب، سازنده فیلم را به قدر کفایت بشناسد. عکس‌هایی از دوران‌های مختلف زندگی راوی، پشت صحنه تولید فیلم، نمایش‌های فیلم و ... نیز در انتهای کتاب قرار گرفت.

بنابراین با این شیوه، کتابی با محوریت یک فیلم ماندگار باقی‌مانده از انقلاب مردم سبزوار، تدوین و تهیه شد. دفتر مطالعات معتقد است که امکان تکرار این شیوه از تدوین در آثار دیگر انقلاب نیز وجود دارد. به‌عنوان مثال، در مورد نمایشنامه‌های گروه تئاتر مردمی کاشان، به‌سرپرستی آقای خسروی نیز چنین شکلی از تدوین در حال تجربه است.

سرودنگاری‌ها، تجربه‌ای دیگر در حوزه اثرنگاری

یکی دیگر از پژوهانه‌هایی که در دفتر مطالعات به تفصیل انجام گرفته است و تدوین این تحقیق در حال انجام است، تاریخ‌شفاهی سرودهای معروف انقلاب اسلامی است. موسیقی و سرودهای انقلاب، جزو اولین موضوعاتی بودند که دفتر مطالعات از اولین روزهای تشکیل، کار آن را شروع کرد و با سرآمدان این حوزه مانند مرحوم منوچهر ابرآویز، استاد شاهنگیان، استاد احمدعلی راغب، استاد قره‌باغی، استاد حسین شمسایی، استاد محمد گلریز و دکتر زورق مصاحبه انجام داد. یکی از محصولاتی که دفتر مطالعات از این تحقیقات در دست تهیه دارد، گردآوری ۲۵ سرود مردمی و معروف انقلاب به‌همراه خاطرات سازندگان آن‌هاست. در این شیوه، تدوین براساس مراحل زیر انجام می‌گیرد:

- ابتدا متن هر سرود درج می‌شود.
- سپس نام عوامل تولید آن سرود ذکر می‌شود. این عوامل عبارتند از:
 - آهنگساز؛
 - شاعر؛



- تنظیم‌کننده.
- خاطرات عوامل تولید سرود پس از متن هر سرود درج می‌شود. این خاطرات شامل موارد ذیل است:
 - زمینه‌های شکل‌گیری ملودی و موسیقی سرود؛
 - نوع ملودی؛
 - زمینه‌های سرایش شعر سرود؛
 - زمان و مکان اجرای سرود؛
 - خوانندگان سرود اعم از گروه کر و تک‌خوان یا خواننده؛
 - نحوه تولید سرود و حواشی و اتفاقات حول آن.

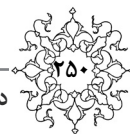
سندنگاری

در پژوهش‌های تاریخ‌شفاهی مردم‌نگارانه، محقق با گونه‌ای از اسناد مواجه است که این اسناد، مدون را به گونه‌هایی از تدوین هدایت می‌کند. به‌عنوان مثال، گونه‌ای از این اسناد، «اسناد خانگی» نام دارد. عنوان مذکور اولین بار توسط استاد علیرضا کمری، نویسنده و پژوهشگر مطالعات دفاع مقدس بر گونه‌ای از اسناد اطلاق شد که توسط افراد در هنگام وقوع یک واقعه، مانند انقلاب یا جنگ تهیه شده است و عموماً در خانه‌ها و توسط افراد خانواده نگه‌داری می‌شود. به‌عنوان مثال، به دو نمونه از این اسناد خانگی و قالب‌هایی از تدوین که برای آن‌ها در نظر گرفته شده است، اشاره می‌شود.

یادداشت‌های روزانه انقلاب

آقای موسی کیخا در روزهای انقلاب، خاطرات، دریافت‌ها و تحلیل‌های خود از وقایع انقلاب را که در کاشان و سراسر کشور رخ داده است، به‌شکل روزانه نوشته است. این یادداشت‌ها که چند دفتر را تشکیل داده است، ترسیم بسیار خوبی از روزهای مبارزات برای پیروزی انقلاب اسلامی ارائه می‌کند. محققین دفتر مطالعات در شهر کاشان در حین مصاحبه با کیخا، به وجود ۱۳ دفترچه یادداشت روزانه پی برده‌اند. ویژگی‌های این دفاتر یادداشت، محقق را به نوعی از تدوین رساند. ویژگی‌های این نوع تحقیق عبارتند از:

- متن یادداشت‌ها بدون دست‌خوردگی عیناً تایپ شدند. در این مرحله حتی اگر متن یادداشت‌ها دارای نکات و ایراستاری، غلط‌های املائی، خط‌خوردگی، ایرادات و ابهامات محتوایی و رمزنگاری بودند، تغییری در آن‌ها ایجاد نشد و محقق کاملاً نسبت به متن وفادار بود؛
- سپس متن یادداشت‌ها کاملاً رفع ایراد شدند، ابهامات آن‌ها رفع شدند و به‌شکل پاورقی در کنار متن اصلی قرار گرفتند؛



- در کتاب ابتدا متن یادداشت‌ها به‌همراه الحاقات آن قرار می‌گیرد و در کنار متن یادداشت‌ها، خاطرات جناب کیخا از وقایع و حوادث انقلاب که در حقیقت توضیح‌دهنده متن یادداشت‌هاست، می‌آید.

دفترچه خاطرات یک شهید

یکی دیگر از نمونه‌هایی که در زمینه تدوین اسناد خانگی جنگ انجام گرفته است، کتاب «عملیات فریب» است. هرچند که این کتاب در دفتر مطالعات جبهه فرهنگی انقلاب اسلامی منتشر نشده است و محصول مؤسسه انتشارات روایت فتح است، اما از آنجایی که توسط یکی از اعضای دفتر مطالعات تهیه شده و به‌لحاظ محتوا و قالب در راستای اهداف و مأموریت‌های دفتر مطالعات جبهه فرهنگی است، به‌عنوان یک نمونه، اشاره مختصری به آن می‌شود.

این کتاب حاصل تلاش نویسنده برای گویا کردن دفترچه خاطرات برادر شهیدش از یک عملیات فریب است. این عملیات در بهمن ۱۳۶۴ش، هم‌زمان با عملیات والفجر ۸ در جزیره ام‌الرصاص انجام گرفته است. شهید اسدالله قاضی که از نیروهای شهر سرخه سمنان بوده است، در این عملیات به‌عنوان یکی از نیروهای تیپ امام رضا (ع) حضور داشته است. به‌دلیل اینکه محوریت این تحقیق یک دفترچه خاطرات بوده است، محقق و نویسنده که برادر شهید است، از قالب‌های مرسوم برای تدوین این کتاب استفاده نکرده است. ویژگی‌های اصلی شیوه‌ای که نویسنده در تدوین این کتاب به‌کار برده است، شامل موارد ذیل است:

- هر فصل از کتاب یک راوی دارد که نویسنده بخش‌هایی از دفترچه را برای او خوانده است و راوی براساس آن بخش از دفترچه، خاطراتی را که به ذهنش آمده است، بیان کرده است. تمام خاطرات این راوی در یک فصل به‌شکل یک متن به هم پیوسته آمده است؛
- نویسنده داستان تلاش خود در یافتن راوی‌ها و راضی کردن آن‌ها به مصاحبه را هم در ابتدای هر فصل و لابه‌لای مطالب آورده است. به عبارتی، مخاطب با نویسنده در بازشدن گره‌های دفترچه خاطرات شهید و راویان عملیات فریب همراه می‌شود. این بخش از متن کتاب که خاطرات خود نویسنده از تحقیق و تدوین کتاب است، به‌شکل دیگری در متن مشاهده شده است؛
- نویسنده از اسکن صفحات دفترچه خاطرات استفاده کرده است و متن دفترچه را تایپ نکرده تا مخاطب، متن اصلی خاطرات را با خط شهید مطالعه کند؛
- نویسنده برای عکس‌های کتاب، تنها به توضیحات مرسوم و متعارف شامل زمان و مکان و معرفی نفرات داخل عکس اکتفا نکرده است، بلکه برای هر عکس، جدا از اطلاعات مرسوم و متعارف، حس و حال بعد از مشاهده عکس و داستان مربوط به آن را نیز آورده است.



تأثیر نوع پژوهانه‌های دفتر مطالعات در اجزاء فرایند تدوین کتاب‌ها

پژوهانه‌های دفتر مطالعات ویژگی‌هایی دارند که در حلقه‌های مختلف زنجیره تدوین کتاب تأثیر دارند و تدوین‌کننده‌های پژوهانه‌های دفتر ناگزیر هستند متن‌ها یا محصولاتی را تولید کنند که پاسخ‌گوی درست و مناسب برای نیازهای تدوینی این نوع پژوهانه‌ها باشند.

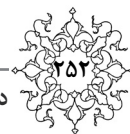
مقالات علمی و نقش آن‌ها در تدوین

یکی از اهداف مهم تاریخ‌شفاهی جبهه فرهنگی، الگودهی و نمونه‌سازی است. هدف از انجام پژوهانه‌های تاریخ‌شفاهی دفتر مطالعات، تولید نظریه انقلاب اسلامی به روایت مردم است. در این راستا، یکی از بخش‌هایی که در تدوین کتاب‌های تاریخ‌شفاهی دفتر مطالعات مدنظر قرار می‌گیرد، بخش علمی و نظریه‌پردازی است. پس از انجام هر پژوهانه تاریخ‌شفاهی و تولید محصول مکتوب از این پژوهانه، در انتهای کتاب، یک یا چند مقاله علمی مبتنی بر مطالب مندرج در آن کتاب منتشر می‌شود. در حقیقت این مقاله علمی، نگاه دیگری به تحقیق تاریخ‌شفاهی انجام‌گرفته در دفتر مطالعات است تا زوایای عمیق و لایه‌های پنهان و مستتر در پژوهانه‌های تاریخ‌شفاهی را کشف و استخراج کند. در این زمینه می‌توان به دو نمونه از این جنس مقالات اشاره کرد:

- دکتر سعید خورشیدی مقاله «تبیین الگوی موفق مربی هنری انقلابی» را براساس مصاحبه‌های انجام‌گرفته در پژوهانه تاریخ‌شفاهی «گروه سرود امور تربیتی لرستان» تهیه کرد و این مقاله در انتهای کتاب «جنگ جنگ تا پیروزی»، مجموعه خاطرات گروه سرود امور تربیتی لرستان منتشر شد.
- دکتر جمال یزدانی، مقاله‌ای علمی تحت‌عنوان «امام افغانستان، تحلیلی مردم‌شناختی بر روایت افغانستانی از امام» نوشته است و این مقاله به‌عنوان ضمیمه در کتاب «در آغوش قلب‌ها»، خاطرات مردم افغانستان از حضرت امام خمینی منتشر شده است.
- دکتر مصطفی گودرزی، عضو هیئت‌علمی دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران، براساس زندگی‌نامه و خاطرات آقای علیرضا خالقی، مقاله‌ای تحت‌عنوان «هنرمندی صادق و انقلاب از خطه مقدس خراسان» با موضوع هنر انقلابی و مردمی در برابر هنر غرب‌زده نوشت و این مقاله به‌عنوان یکی از ضمایم کتاب «انقلاب رنگ‌ها»، خاطرات آقای خالقی، در انتهای کتاب منتشر شد. به‌نظر کارشناسان این مقاله علمی بر غنای کتاب و خاطرات جناب خالقی افزوده است.

ملحقات و پاورقی‌ها

یکی از مراحل مهم تدوین، اضافه کردن ملحقات و پاورقی‌ها و رفع ابهامات متن خاطرات راوی است. پژوهانه‌های دفتر مطالعات در موضوعاتی انجام می‌گیرند که عموماً نیاز به پاورقی‌های



تخصصی دارند. در واقع دفتر مطالعات در پژوهانه‌های حوزه فرهنگ و هنر انقلاب، در تولید پاورقی‌ها شامل زندگی‌نامه عناصر فرهنگ و هنر، تنها به اطلاعات متداول اینترنتی و به اصطلاح «ویکی پدیا» اکتفا نمی‌کند، بلکه تلاش می‌کند در شناساندن افراد، ابعادی از زندگی شخص را مدنظر قرار دهد که اهداف و مأموریت‌های دفتر مطالعات را پوشش دهد. به‌عنوان مثال، در پاورقی‌های تخصصی حوزه موسیقی، ابعادی که در تهیه پاورقی‌ها مدنظر قرار می‌گیرند، عبارتند از:

- سبک و نوع فعالیت موسیقایی فرد با دیگران چه تفاوت‌هایی داشته است؟
 - وی در زمینه مقایسه موسیقی غربی با موسیقی سنتی ایرانی، چه نظراتی داشته است؟
 - در طول دوران فعالیت خود در حوزه موسیقی در دوران پهلوی، چه نوع مسئولیت‌هایی داشته است و این مسئولیت‌ها از او چه شخصیتی ساخته است؟ نقش او در مدیریت حوزه موسیقی دوران پهلوی چه بوده است؟
 - نسبت فعالیت‌های فرد با مبانی هنر و فرهنگ دوره پهلوی و مبانی هنر و فرهنگ دوران انقلاب، در چه سطحی بوده است؟
 - فرد چه کنش‌های فرهنگی و هنری با جریان انقلاب یا ضد انقلاب داشته است؟
- با توجه به توضیحات ارائه‌شده، تهیه چنین زندگی‌نامه‌هایی با چنین ویژگی‌هایی، کار آسانی نیست، بلکه مدون باید به کتاب‌های زندگی‌نامه، مراجع و منابع تحلیلی و حتی خاطرات افراد دیگر مراجعه کند. هم‌چنین یکی دیگر از تأثیراتی که پژوهش تاریخ‌شفاهی در حوزه فرهنگ و هنر انقلاب روی پاورقی‌ها و ملحقات این پژوهش‌ها دارد، مواجهه با ابزارهای تخصصی است. در حقیقت حوزه فرهنگ و هنر در جبهه فرهنگی ابزار، تجهیزات، دانش و اصطلاحات تخصصی مورد نیاز مخاطبان کتاب‌های این حوزه را دارد. به‌عنوان مثال، به انواع پاورقی‌های تخصصی در حوزه موسیقی انقلاب اشاره می‌شود:
- توضیح در مورد آلات مختلف موسیقی و کاربرد آن‌ها؛
 - توضیح در مورد دستگاه‌های متنوع موسیقی؛
 - توضیح در مورد مراکز تخصصی تولید و اشاعه موسیقی؛
 - توضیح در مورد اصطلاحات موسیقی.

نحوه تدوین اطلاعات متنوع در پژوهش‌های مردم‌نگارانه

محتوای تحقیقاتی که در دفتر مطالعات انجام می‌گیرد، تنها شامل تاریخ‌شفاهی و خاطرات راویان کنشگر در جبهه فرهنگی انقلاب نیست، بلکه محتواهای دیگری نیز در حین انجام تحقیقات تولید می‌شوند که همین محتواها، تدوینگر را مجبور می‌کند که از شیوه‌های متنوع تدوین استفاده کند. این محتواهای متنوع عبارتند از:



- تجربه‌نگاری و مدیریت دانش: یکی از این اتفاقات مهم در حین انجام پژوهانه‌های دفتر مطالعات این است که تجربیات و دانش کسب‌شده راوی نیز استخراج و ثبت و ضبط می‌شوند. به عبارت دیگر، تجربه‌نگاری و مدیریت دانش نیز یکی از نتایج تحقیقات دفتر مطالعات است.
 - آسیب‌شناسی جریان‌های فرهنگی و فکری انقلاب: یکی از اهداف مهم پژوهانه‌های تاریخ‌شفاهی دفتر مطالعات، ترسیم کار جریان‌شناسی جبهه فرهنگی انقلاب اسلامی است. در جریان‌شناسی جریان‌های فکری و فرهنگی، «آسیب‌شناسی»، کشف علل انحراف یا تعطیلی، نقاط قوت و ضعف، علل موفقیت و علل شکست این جریان‌ها، از جمله مسائل مهمی هستند که به‌شکل ویژه در پژوهانه‌های تاریخ‌شفاهی دفتر مطالعات مدنظر قرار می‌گیرند. معمولاً این بخش از محتوای پژوهانه‌های تاریخ‌شفاهی از دل تحلیل‌های راوی استخراج می‌شوند.
- با توجه به توضیحات ارائه‌شده، تدوینگر کتاب با مجموعه‌ای از تاریخ‌شفاهی، خاطره، تحلیل، تجربیات، دانش و حتی مطالب آموزشی سروکار دارد و باید به بهترین شکل آن‌ها را تدوین کند و مطالب را در کنار یکدیگر بنشانند. بنابراین ملاحظات در تدوین به‌وجود می‌آید که به‌برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:
- تدوین تاریخی: عموم کتاب‌های تاریخ‌شفاهی و خاطره‌نگاری سیر تاریخی دارند. مدون خاطرات، راوی را روی خط زمان می‌چیند، هر خاطره را بیان می‌کند و سپس به بیان خاطره بعدی می‌پردازد.
 - تدوین موضوعی: گاهی اوقات راوی نمی‌تواند موضوعات را به شکل تاریخی تعریف کند و تقدم و تأخر آن‌ها را نمی‌داند و فراموش کرده است که در این حالت، تدوین شکل موضوعی پیدا می‌کند. مدون برای اینکه حق مطلب ادا شود، تمام خاطرات مرتبط با موضوع «الف» را یک‌جا بیان می‌کند و سپس به سراغ موضوع «ب» می‌رود، حتی اگر مجبور باشد خاطره‌ای را در موضوع «الف» تعریف کند که بعد از خاطره‌ای در موضوع «ب» اتفاق افتاده است. به‌عنوان مثال، یک نقاش انقلاب در زمان دفاع مقدس دو جنس کار را انجام می‌داده است. یکی اینکه چهره شهدا را نقاشی می‌کرده است تا در تشییع شهید استفاده شود و نیز نقاشی بزرگ دیواری هم اجرا می‌کرده است. مدون می‌تواند تمام خاطرات مربوط به نقاشی چهره شهدا را که از ابتدای جنگ شروع شده است، پشت‌سرهم بیان کند و سپس به سراغ موضوع نقاشی دیواری برود، اما ممکن است موضوع نقاشی دیواری به موازات شروع جنگ یا حتی قبل از آن، آغاز شده باشد. از آنجایی که این دو موضوع به موازات یکدیگر انجام گرفته‌اند، مدون نمی‌تواند مدام میان این دو کار رفت‌وبرگشت داشته باشد، لذا شیوه تدوین موضوعی برای این کار مناسب‌تر است.
 - تحلیل‌ها و آسیب‌شناسی‌ها: بعضی از راویان عادت دارند که بعد از بیان هر خاطره، تحلیل‌های

خود نسبت به آن مسئله را نیز بیان می‌کنند یا خاطره خود را تعمیم می‌دهند و یک نتیجه کلی می‌گیرند. یکی از هنرهای مدون آن است که تحلیل‌ها و آسیب‌شناسی‌های راوی نسبت به وقایع را نیز در کنار خاطرات ذکر کند، به‌گونه‌ای که هماهنگی کتاب را تحت تأثیر قرار ندهد. به عبارت دیگر، مخاطب گمان نکند که با یک کتاب تحلیلی مواجه است. همراه کردن تحلیل‌ها با مصادیق بیان‌شده توسط راوی، تنها راهی است که کتاب را از این آفت نجات می‌دهد.

- محتوای آموزشی: از آنجایی که یکی از اهداف دفتر مطالعات، الگودهی به عناصر فرهنگی فعال در جبهه فرهنگی است، مدون کتاب‌های دفتر مطالعات باید تلاش کند که تجربیات و دانش راوی را نیز در کتاب منعکس کند. این تلاش باید به‌شکلی انجام گیرد که کتاب شکل آموزشی و ثبت تجربه پیدا نکند که البته بستگی به هنر و توانمندی مدون دارد.

استفاده از زبان و اصطلاحات محلی در تدوین

وسعت جغرافیایی پژوهانه‌های تاریخ‌شفاهی مردم‌نگارانه باعث می‌شود که طیف مصاحبه‌ها بسیار متنوع و متکثر باشد. زبان طیف زیادی از راویان، دارای گویش‌های محلی است. این وسعت گویش‌ها و فرهنگ‌ها در مصاحبه‌های تاریخ‌شفاهی از جمله مؤلفه‌هایی هستند که در تدوین کتب دفتر مطالعات تأثیر می‌گذارند. هرچند که تمام مصاحبه‌های انجام‌شده در دفتر مطالعات در سراسر کشور با زبان‌ها و گویش‌های مختلف به زبان معیار و فارسی پیاده‌سازی می‌شوند، اما تدوین‌کنندگان پژوهانه‌های دفتر مطالعات تلاش می‌کنند در کارهای خود با تکنیک‌هایی طعم زبان یا گویش اصلی را در متن بیاورند. به سه نمونه از این تلاش‌ها اشاره می‌شود:

- استفاده از اصطلاحات و ضرب‌المثل‌ها به زبان آذری در کتاب خاطرات آقای مجید دلدوزی، گرافیسیت انقلاب اهل تبریز، نوشته آقای قلی‌زاده؛
- استفاده از گویش‌های مشهدی در دیالوگ‌های کتاب «انقلاب رنگ‌ها»، خاطرات آقای علیرضا خالقی، نقاش انقلاب اهل مشهد، نوشته آقای حسن سلطانی؛
- استفاده از اصطلاحات و عبارات به گویش افغانی در متن کتاب مبارزان بی‌مرز، خاطرات رزمندگان افغانستانی حاضر در دفاع مقدس، نوشته آقای محمدرور رجایی.

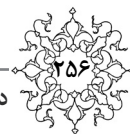
مقدمه کتاب

اولین بخش کتاب‌های تاریخ‌شفاهی و خاطره‌نگاری، مقدمه کتاب است. در حقیقت مقدمه ویتترین کتاب است و مخاطب با مطالعه مقدمه، نسبت به آن چیزی که در کل کتاب خواهد خواند و تلاشی که محقق برای تحقیق، نگارش و تدوین کتاب متحمل شده است، آشنا می‌شود. مدون در مقدمه فلسفه، هدف و شیوه پژوهش خود را توضیح می‌دهد. یک مقدمه خوب و کامل باید شامل موارد



ذیل باشد:

- تقدیمیه: مدون می‌تواند با نظر راوی خاطرات، کتاب را به افرادی که راوی به آن‌ها علاقه قلبی دارد، تقدیم کند؛
- دستخط تائید راوی: درج دستخط تائید راوی در ابتدای کتاب می‌تواند اعتبار محتوای کتاب را افزایش دهد؛
- شکل‌گیری ایده تحقیق و نوشتن کتاب: محقق و مدون چگونه و چه زمانی با موضوع مواجه شده است؛
- شیوه تحقیق و تدوین: محقق و مدون باید شیوه تحقیق و تدوین کتاب را توضیح دهند، به‌ویژه در حوزه اثرنگاری یا جمع‌نگاری که ممکن است شیوه‌های متداول تحقیق و تدوین طی نشود، لازم است محقق و مدون به‌شکل دقیق شیوه تحقیق و تدوین خود را توضیح دهند؛
- نحوه تعامل: محقق و مدون باید توضیح دهند که چگونه با راوی یا راویان یا مراکز اسنادی ارتباط برقرار کرده و آن‌ها را راضی به همکاری نموده‌اند؛
- ابزار تحقیق: پاسخ به سؤالاتی نظیر محقق چگونه مصاحبه را ثبت و ضبط کرده است؟ با واکمن یا رکوردر بوده؟ به‌شکل تصویری ضبط کرده است یا خاطرات را نوشته است؟
- تعداد ساعات تحقیق: باید مشخص باشد که محقق برای انجام تحقیق، چند ساعت وقت گذاشته است. اگر تحقیق در چند مرحله تکمیل شده است، محقق و مدون به آن اشاره می‌کند؛
- زمان و مکان انجام پژوهانه: محقق در طول چه مدتی، در چه زمان‌هایی و در چه مکان‌هایی با راوی یا راویان مصاحبه کرده است؟ اگر کتاب اسنادی است، در طول چه زمانی اسناد را جمع‌آوری کرده است؟
- سرنوشت راویان: سرنوشت و موقعیت و وضعیت کنونی راوی یا راویان کتاب و فعالیت‌هایی که در حال حاضر انجام می‌دهند، از جمله مسائلی هستند که مدون باید به آن‌ها اشاره کند؛
- اتفاقات و حواشی: یکی از مهم‌ترین نکاتی که باید در مقدمه کتاب به آن اشاره کرد، اتفاقات و مشکلاتی است که در حین تحقیق و نوشتن کتاب برای محقق و مدون رخ داده است. به‌عبارت دیگر، سوانح‌نگاری یکی از ملزومات مقدمه کتاب است؛
- تشکر: محقق و مدون کتاب به همه افرادی که در شکل‌گیری کتاب نقشی ایفا کرده‌اند، به همراه نقش آن‌ها اشاره می‌کند و از آنان تشکر می‌کند؛
- قالب کتاب: مدون باید توضیح دهد که از چه قالبی برای تدوین کتاب استفاده کرده است؟ آیا سیر تاریخی مدنظر او بوده یا سیر موضوعی یا مسیری دیگر؟
- حذفیات: مدون بایستی اطلاعاتی را که از کتاب حذف کرده است و علت حذف آن‌ها را بیان کند. به‌عنوان مثال، ممکن است بخشی از محتوای تحقیق به‌علت ملاحظات امنیتی یا نظامی



- یا خانوادگی و نظایر آن از کتاب حذف شده باشد؛
- اضافات: اگر مدون اطلاعاتی را به کتاب اضافه کرده است، باید به این اطلاعات و علت اضافه کردن آنها اشاره کند؛
 - شخصیت راوی یا راویان: یک جنس از اطلاعاتی که لازم است در مقدمه ذکر شود، ویژگی‌های شخصیتی راوی یا گروه راویان است که در متن کتاب به آنها اشاره نشده است و محقق و مدون در معاشرت با راوی یا راویان کشف کرده است و لازم می‌داند که آنها را برای مخاطب بیان کند؛
 - منابع: اگر مدون برای تکمیل مطالب کتاب از منابع دیگری غیر از گفته‌های راوی استفاده کرده است، لازم است که حتماً به آنها اشاره کند؛
 - نکاتی برای ادامه تحقیق: گاهی اوقات لازم است محقق و مدون در مقدمه اشاره کند که از چه زاویه‌ای به موضوع پرداخته است و چه جنبه‌هایی از موضوع را مدنظر قرار نداده است، یا اینکه چه موضوعاتی را در کتاب مطرح کرده و از کنار چه موضوعاتی عبور کرده است. بیان این موضوعات می‌تواند راهنمایی برای محققین باشد تا در صورت تمایل برای تکمیل کتاب اقدام کنند.

انعکاس اهداف دفتر مطالعات در محتوای مقدمه

- یکی از مسائلی که در مقدمه کتاب‌های دفتر مطالعات ترسیم می‌شود، نقشه کل کتاب است. در این نقشه، مدون کتاب توضیح می‌دهد که:
- منظور از جبهه فرهنگی چیست و به چه علت باید به ثبت تاریخ شفاهی و خاطرات آن پرداخت؟
 - موضوع کتاب در بین دیگر موضوعات جبهه فرهنگی چه جایگاهی دارد؟ به‌عنوان مثال، خاطرات مربیان پرورشی در بین موضوعات جبهه فرهنگی از چه جایگاهی برخوردار است؟
 - راوی یا راویان کتاب در بین دیگر راویان فعال و کنشگر در حوزه موضوعی کتاب، چه ویژگی و مشخصه‌ای دارند؟ به‌عنوان مثال، علیرضا خالقی کیست و در بین نقاشان انقلاب چه موقعیتی دارد؟

مقدمه، ابزاری برای آموزش

در برخی از آثار، نویسندگان گزارش فعالیت‌های خود در تدوین کتاب را هم به‌عنوان بخشی از کتاب وارد متن می‌کنند. این شیوه علاوه بر اینکه می‌تواند مخاطب را با محتوای کتاب همراه کند، می‌تواند ابزاری برای آموزش علاقه‌مندان به حوزه تحقیق تاریخ شفاهی و خاطره‌گیری باشد. این روش تدوین، شیوه‌ای است که برخی از نویسندگان خارجی در حوزه زندگی‌نامه‌نویسی،



خاطره‌نگاری و تاریخ‌شفاهی غرب از آن استفاده می‌کنند. به دو نمونه از این دست کتاب‌ها به شرح ذیل اشاره می‌شود:

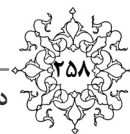
- کتاب «جنگ چهره زنانه ندارد» و کتاب «صداهایی از چرنوبیل، تاریخ‌شفاهی حادثه چرنوبیل»، نوشته سوتالانا آکساندورنا آکسویچ.
 - کتاب «اعدام سرباز اسلوویک» نوشته «ویلیام بردفورد هیوئی» که نویسنده گزارش کار خود را در لابه‌لای کار آورده است.
- همان‌گونه که در بخش‌های قبل بیان شد، در بین کتب خاطره‌نگاری در ایران هم می‌توان به کتاب «عملیات فریب» که با چنین شیوه‌ای تدوین شده است، اشاره کرد.

صمیمی کردن لحن در کتب تاریخ‌شفاهی و خاطره‌نگاری

با اینکه تاریخ‌شفاهی نسبت به تاریخ تحلیلی، آوانگارد و ساختارشکن است، اما یکی از مهم‌ترین ساختارشکنی‌های آن، بازگشت یا نزدیکی به روش‌های سنتی است. می‌توان گفت تاریخ‌شفاهی، به نوعی سنت نقلی سینه‌به‌سینه حکایت‌نامه‌ها را در خود پروراند و آن‌ها را احیا نموده است. از این منظر مهم‌ترین ضربه بر پیکر تاریخ‌نگاری مدرن از حیث روش‌شناسی بوده است. در واقع با تاریخ‌شفاهی، سیطره تاریخ‌نگاری اژه‌محور (ارگانیک) پایان می‌یابد و روایت‌های انسانی از طریق نقل‌های سینه‌به‌سینه دوباره ترمیم و بازآوری می‌شوند.

توجه به انسان به‌عنوان راوی مرکزی تحلیل تاریخ، نه فقط باعث می‌شود که محقق در طول فرایند مصاحبه با روانشناسی و مراقبت عاطفی از راوی چهارچوب نظری تحقیق خود را پایش کند، بلکه افزون بر آن، در تدوین تاریخ نیز اثر خود را نشان می‌دهد. توالی روایت‌های تاریخی در تاریخ‌شفاهی چنان است که پیش از این در تاریخ‌نگاری سنتی ایرانی و نیز حکایت‌نویسی‌های ادبی با نمونه‌هایی چون مثنوی معنوی و تاریخ بیهقی وجود داشت. در این نمونه‌ها مخاطب با نوعی ترتیب و توالی حکایات مواجه است که مبتنی بر ظرفیت شنونده حکایت و خواننده روایت از ربط موضوعات به یکدیگر است. اگر در جای جای مثنوی مولوی استفاده از عبارت‌هایی به‌چشم می‌خورد که مخاطب را به یاد سه حکایت پیشتر می‌اندازد و به او تذکر می‌دهد که «پیش از این گفتیم از حالات او...»، در تاریخ‌شفاهی راوی، محقق و خواننده را با عبارت «یادت می‌آید قبلاً گفتم...؟» یا عباراتی شبیه این، ربط و اتصال قضایا و روایت‌ها را به هم توضیح می‌دهد.

به‌این ترتیب، تاریخ‌شفاهی در تدوین خود به نحوی هرچند جدید، ادای دینی است به سنت نقل حکایات که اساساً در ماهیت آن نهفته است. ماهیت روایت انسان به انسان، فاصله‌گرفتن از موضوع‌محوری در تحقیق و توجه به احوالات روحی و معنایی انسان محقق و مخاطب است. انسان در بستر جاری زندگی و بودن، چه در قالب مصاحبه‌شونده و چه مصاحبه‌گر، موجودی است



که در طول چهار زمان تاریخی دائماً در رفت‌وآمد است و با این رفت‌وآمد، خود و تاریخ مورد نظر خود را شکل می‌دهد.

با این توضیحات می‌توان این نکته را در تدوین کتاب‌های خاطره‌نگاری و تاریخ شفاهی به‌عنوان یک تکنیک در نظر گرفت. با توجه به ماهیت و محتوای پژوهانه‌های تاریخ شفاهی، مدوّن کتاب باید بتواند لحن راوی را حفظ کند و صمیمیت را در متن نشان دهد، گویی که راوی روبه‌روی مخاطب نشست است و برای او خاطراتش را بازگو می‌کند. برای این مسئله، تکنیک‌هایی وجود دارد. مدوّن می‌تواند با استفاده از عباراتی در متن کتاب این صمیمیت و نزدیکی را ایجاد کند. برخی از این عبارت‌ها عبارتند از:

- یادم می‌آید ...
- هرچه فکر می‌کنم، خاطرم نمی‌آید ...
- این قصه باشد جلوتر برایتان تعریفش می‌کنم ...
- شاید باورتان نشود ...
- نمی‌توانید حس کنید که من چه حالی داشتم ...
- حالا برگردیم سر قصه خودمان ...
- قبلاً برایتان گفته بودم که ...
- هیچ‌وقت فراموشم نمی‌شود ...
- خودتان را جای من بگذارید ...
- حالا تصور بکنید که من چه حالی داشتم ...
- اگر برگردیم به آن سال‌ها ...

یکی دیگر از این شیوه‌ها، شیوه‌ای است که بی‌هقی در کتاب تاریخ بی‌هقی برای رفت‌وبرگشت در روایت استفاده می‌کند. او از عباراتی خاص برای این شیوه از بیان روایت بهره می‌گیرد. به‌عنوان مثال:

- برای اشاره و ارجاع به داستانی که در گذشته آن را بیان کرده است، می‌گوید: «در داستان حسنک وزیر گفته شد که ...»
- برای موکول کردن ذکر داستانی که در آینده قصد دارد آن را بیان کند، می‌گوید: «داستان این ماجرا گفته خواهد شد.»

می‌توان از این تکنیک‌ها نیز در روایت خاطرات راوی بهره گرفت.

گویاکردن عکس‌ها

از جمله بخش‌های مهم کتاب‌های تاریخ شفاهی و خاطره‌نگاری، گویا کردن اسناد و عکس‌هاست.



در گویا کردن عکس‌ها و اسناد روش‌های متعارف و مرسوم وجود دارد که دفتر مطالعات جبهه فرهنگی تلاش کرده است شیوه‌های تازه‌تر، جذاب‌تر و کاربردی‌تری را به کار گیرد. برخی از این شیوه‌ها عبارتند از:

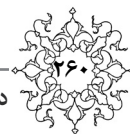
- تدوین‌کننده کتاب می‌تواند علاوه بر اطلاعات مرسوم و متعارف شامل زمان و مکان و معرفی نفرات داخل عکس، حس و حال و داستان مربوط به آن عکس را نیز در قالب جمله درج کند.
- گاهی اوقات ترکیب چند عکس راوی که در یک موقعیت گرفته شده است، در کنار هم، معنای خاصی را می‌رساند. به‌عنوان مثال، یک گروه از افراد در یک مکان و یک زمان، چند عکس گرفته‌اند، اما حالت‌های افراد در این عکس‌ها متفاوت است. در یک عکس همه جدی هستند و در عکس دیگر همه لبخندی بر صورت دارند. ممکن است راوی در مورد ترکیب این عکس‌ها در کنارهم و حالات مختلف حاضرین در عکس، خاطره‌ای داشته باشد که این خاطره می‌تواند به‌عنوان توضیحات، ذیل عکس‌ها قرار گیرد.
- می‌توان به جای آنکه کل عکس‌های کتاب در انتهای آن قرار گیرد، عکس‌های راوی را متناسب با موضوع هر فصل انتخاب کرد و در انتهای همان فصل آورد.

طرح جلد

از آنجایی که تاریخ‌شفاهی جبهه فرهنگی انقلاب و تاریخ مردمی انقلاب از سویی از فقر آثار متعدد و از سوی دیگر از فقر ادبیات و متن رنج می‌برد، لذا مجموعه دفتر از ظرفیت جلد برای طراحی‌های گرافیکی که در طراحی جلد معمول است، استفاده نمی‌کند. این دفتر برای جلد نیز ارزش متنی قائل است و آن را به‌عنوان عرصه بروز و ظهور ادبیات و منابع نداشته این نوع از تاریخ‌نگاری، مغتنم می‌داند. لذا دفتر مطالعات به اسناد و عکس‌های واقعی برای اینکه روی جلد کتاب‌ها قرار گیرند، اولویت و اهمیت جدی می‌دهد.

همان‌گونه که بیان شد، پژوهانه‌های اصلی دفتر مطالعات، جمع‌نگاری‌ها و اثرنگاری‌هاست. در طراحی جلد کتاب‌هایی با این موضوعات، از تصاویری استفاده می‌شود که نشان‌دهنده ویژگی‌های این نوع تحقیقات باشند. به‌عنوان مثال، به طرح جلد دو کتاب از این جنس اشاره می‌شود:

- در طرح جلد کتاب «انقلاب رنگ‌ها»، خاطرات شفاهی علیرضا خالقی، نوشته حسن سلطانی، از عکس یکی از راهپیمایی‌های مردم مشهد استفاده شده است که در این عکس، مردم مشهد تصویر بزرگ امام خمینی، از جمله آثار آقای خالقی را در دست دارند. این عکس به این علت به‌عنوان طرح جلد انتخاب شد که تصویر بزرگ حضرت امام، معروف‌ترین تصویری است که مردم مشهد در راهپیمایی‌ها از آن استفاده می‌کردند و حمل این تصویر، قدرت زیادی به مردم برای مبارزه می‌داد. رهبر انقلاب، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای تعبیری این‌چنین در مورد



این تصویر دارد: «دوستان می‌گفتند این [تصویر بزرگ حضرت امام خمینی] مثل علامت مخصوص بنی‌اسرائیل است که در هر جنگی با خودشان می‌بردند، پیروز می‌شدند». علاوه بر این، تصویر مردم در عکس نیز می‌تواند نشانه‌ای از مردمی‌بودن این حرکت باشد.

• در طرح جلد کتاب «جنگ جنگ تا پیروزی»، تاریخ‌شفاهی گروه سرود امور تربیتی خرم‌آباد، نوشته سامان سپهوند، یکی از عکس‌های اجرای گروه سرود، دستمایه قرار گرفته است. این عکس که اعضای گروه سرود در حال نواختن آهنگ با ابزارآلات موسیقی هستند، نشان‌دهنده تفاوت این گروه سرود با گروه‌های سرود مشابه خود است. هم‌چنین این عکس گروهی می‌تواند بیان‌کننده جنس تحقیق این پژوهانه جمع‌نگاری نیز باشد.

ضمائم رسانه‌ای کتاب

همان‌طور که بیان شد، عموم پژوهانه‌هایی که در دفتر مطالعات جبهه فرهنگی انجام می‌گیرند، به سوژه‌هایی در حوزه فرهنگ و هنر و ادبیات انقلاب می‌پردازند. اشاره شد که علت اصلی رفتن به سراغ این پژوهانه‌ها، آثار فرهنگی و هنری است که عناصر این جبهه تولید کرده‌اند. بنابراین مصاحبه‌های خاطره‌گیری و تاریخ‌شفاهی با محوریت این آثار انجام می‌گیرد و از همین جهت، این آثار، خود ارزش متنی دارند. لذا یکی از نکاتی که در تدوین کتاب‌های دفتر مطالعات مدنظر قرار می‌گیرد، ضمیمه رسانه‌ای است. این ضمیمه که به شکل دیسک فشرده (CD یا DVD) تهیه می‌شود، می‌تواند شامل موارد ذیل باشد:

- متن سرودها (برای کتاب‌هایی با موضوع سرود)؛
- اجرای سرودها به شکل صوتی و تصویری (برای کتاب‌هایی با موضوع سرود)؛
- نت‌نویسی سرودها (برای کتاب‌هایی با موضوع سرود)؛
- اسکن شده عکس‌ها و اسناد راوی؛
- اسکن شده نقاشی‌ها و تصاویر آثار راوی (برای کتاب‌هایی با موضوع هنرهای تجسمی)؛
- فیلم‌های ساخته‌شده توسط راوی (برای کتاب‌هایی با موضوع فیلم‌نگاری)؛
- فایل‌های صوتی و تصویری مصاحبه با راوی و مستندهای ساخته‌شده در مورد موضوع کتاب (برای عموم کتاب‌ها به‌ویژه برای مصاحبه‌هایی که راوی آن با زبان اصلی و گویش محلی خاطرات خود را بیان کرده است).

نتیجه‌گیری:

این مقاله به بیان تجربیات فعالان واحد تاریخ‌شفاهی دفتر مطالعات جبهه فرهنگی انقلاب اسلامی در حوزه تدوین مصاحبه‌ها در موضوعات و سوژه‌های جبهه فرهنگی انقلاب پرداخته



است. نوع سوژه‌هایی که دفتر مطالعات تجربه کرده است، از جهاتی ویژه هستند. این ویژه بودن در جمع‌نگاری‌ها، اثرنگاری‌ها و سندنگاری‌ها بروز و ظهور پیدا می‌کند. استفاده از قالب «راوی اول شخص جمع نامعلوم» در کتاب «جنگ جنگ تا پیروزی؛ خاطرات شفاهی گروه سرود امور تربیتی لرستان»، استفاده از قالب «فیلم نگاری» در کتاب «انقلاب هشت میلیمتری، خاطرات میرقطبی از فیلم انقلاب سبزوار» و استفاده از قالب «گویا کردن اسناد» در کتاب «یادداشت‌های انقلاب؛ یادداشت‌های روزانه موسی کیخا از حوادث انقلاب در کاشان»، از جمله تجربیات واحد تاریخ‌شفاهی دفتر مطالعات در حوزه تدوین پژوهانه‌های جمع‌نگاری، اثرنگاری و سندنگاری است. پاورقی‌های تخصصی با نگاه به فرهنگ و هنر انقلاب، طراحی جلد مبتنی بر اسناد مردمی و استفاده از اصطلاحات و گویش‌های محلی در تدوین تحقیقات انجام‌شده با زبان محلی، از جمله تأثیراتی هستند که انواع پژوهانه‌های دفتر مطالعات روی برخی از حلقه‌های مختلف زنجیره تدوین دارند.

تنوع محصولات و استفاده از انواع قالب‌های تدوین در کتاب‌های دفتر مطالعات، به اهداف این دفتر از تولید آثار خود برمی‌گردد. زمانی که مجموعه‌ای اساساً دنبال آسیب‌شناسی، تجربه‌اندوزی و مدل‌سازی از گذشته باشد، قطعاً این اهداف هم در پژوهانه‌ها و هم در تدوین آن‌ها، اثر جدی می‌گذارد. واحد تاریخ‌شفاهی دفتر مطالعات تلاش دارد با کشف روح حاکم بر کنشگران در انقلاب اسلامی، از صرف خاطره‌گیری که بسیاری از مراکز متولی تاریخ‌شفاهی مشغول به آن هستند، فاصله بگیرد و رویکردهای علمی تاریخ‌شفاهی را نیز مدنظر قرار دهد و در آثار خود ارائه نماید. دستیابی به این مهم، نیازمند عمق‌بخشی به تحقیقات دفتر مطالعات است.

